

**Original Paper** **Examining the manifestations of human rights in the works of Kazeo Ishiguro and Shahriar Mandanipour**

Sepide Yusefi Burburi<sup>1</sup>, Parwaneh Adelzadeh<sup>2\*</sup>, Kamran Pashaei Fakhri<sup>3</sup>

**Abstract**

One of the scientific and proven methods of criticizing literary texts is the interdisciplinary study of these works; Analysis of literary texts based on legal and sociological studies is one of the important types of interdisciplinary studies. This method of study causes the microscopic observation and scrutinization of the internal angles of literary texts; Therefore, in order to get to know an author as well as possible, interdisciplinary review and criticism of that text is necessary. In this thesis, considering the importance of legal issues in the formation of exciting literary stories and also the role of allegorical literature in introducing legal principles, to examine the reflection of the provisions of the Declaration of Human Rights in the fictional works of the Iranian modernist writer Shahriar Mandanipour and the Japanese writer. Kazeo Ishiguro is paid. The study method in this research is descriptive-analytical and the data collection method is library studies. For this purpose, some fictional works of these authors have been studied and analyzed. According to the findings of this research, among the most important provisions of human rights that Mandanipour and Ishiguro ordered their audience to observe, freedom and equality in terms of dignity and rights; The right to freedom and personal security, equality, justice and peace.

**Key words:** fiction, allegory, human rights, Shahriar Mandanipour, Kazeo Ishiguro.

1-PhD student of Persian language and literature, Islamic Azad University, Tabriz branch, Tabriz, Iran Sepide145@gmail.com

2-Professor of the Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Tabriz branch, Tabriz, Iran. adelzade@iaut.ac.ir

3-Professor of the Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran. pashaei@iaut.ac.ir

**Please cite this article as (APA):** Yusefi Burburi, Sepide, Adelzadeh, Parwaneh, Pashaei Fakhri, Kamran. (2024). Examining the manifestations of human rights in the works of Kazeo Ishiguro and Shahriar Mandanipour. *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature*, 16(62), 120-134.



Creative Commons: CC BY-SA 4.0



**Publisher:** Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 62/ Winter 2025

**Receive Date:** 31-08-2024

**Accept Date:** 08-12-2024

**First Publish Date:** 15-01-2025

**مقاله پژوهشی** **بررسی تمثیلات حقوق بشر در آثار کازنو ایشی گورو و**

**شهریار مندنی پور**

سپیده یوسفی<sup>۱</sup>، پروانه عادل زاده<sup>۲\*</sup>، کامران پاشایی فخری<sup>۳</sup>

**چکیده**



تحلیل متون ادبی بر مبنای تمثیل مطالعات حقوقی و جامعه‌شناسانه، یکی از انواع مهم مطالعات بینارشته‌ای می‌باشد. این روش مطالعه، سبب رصد ریزبینانه و موشکافی هرچه دقیق‌تر زوایای داخلی متون ادبی می‌شود؛ در این مقاله با توجه به اهمیت مباحث تمثیلی حقوقی در شکل‌گیری داستان‌های مهیج ادبی و هم‌چنین نقش ادبیات تمثیلی در شناساندن اصول حقوقی، و هر چه ملموس‌تر کردن آن به بررسی تمثیلات در انعکاس مفاد اعلامیه حقوق بشر و چگونگی خلق صحنه‌های تمثیلی و توصیف تمثیلی وقایع در آثار داستانی نویسنده مدرنیست ایران، شهریار مندنی پور و نویسنده انگلیسی-ژاپنی، کازنو ایشی گورو پرداخته می‌شود. روش مطالعه در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد. بدین منظور برخی آثار داستانی این نویسنده‌ها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش از جمله مهم‌ترین تمثیلات حقوق بشر که مندنی پور و ایشی گورو مخاطبان خود را به رعایت آن سفارش کرده‌اند، آزادی و برابری از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق؛ حق آزادی و امنیت شخصی، برابری و مساوات، عدالت و صلح است. که به بیان مفاهیم تمثیلی درباره آزادی، برابری و عدالت و صلح پرداخته‌اند. تا کنون پژوهشی درباره بررسی تمثیلات حقوق بشر در آثار کازنو ایشی گورو و شهریار مندنی پور، انجام نشده است که همین بر اهمیت و هدف و ضرورت این پژوهش می‌افزاید.

**واژگان کلیدی:** ادبیات داستانی، تمثیل، تمثیلات حقوق بشر، شهریار مندنی پور، کازنو ایشی گورو.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران

۲- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران. [Adelzade@iaut.ac.ir](mailto:Adelzade@iaut.ac.ir)

۳- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران. [pashaei@iaut.ac.ir](mailto:pashaei@iaut.ac.ir)

<p>لطفاً به این مقاله استناد کنید: یوسفی، سپیده، عادل زاده، پروانه، پاشایی فخری، کامران. (۱۴۰۳). بررسی تمثیلات حقوق بشر در آثار کازنو ایشی گورو و شهریار مندنی پور. <i>تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی</i>. ۱۶(۶۲)، ۱۳۴-۱۲۰.</p>		
 <p>حق مؤلف © نویسندگان.</p>		
<p>ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره شصت و دوم / زمستان ۱۴۰۳ / از صفحه ۱۳۴-۱۲۰.</p>		
<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰</p>	<p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸</p>	<p>تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶</p>

## مقدمه

امروزه بسیاری از نویسندگان، پس از نقل داستان‌های تمثیلی، اهداف و تفاسیر مورد نظر خود را به آن‌ها افزوده‌اند. با وجود این ارائه تفاسیر مختلف از یک داستان تمثیلی همواره یکی از ویژگی‌های آن شمرده شده است. این ویژگی مخصوصاً هنگام سخن گفتن از پیوندهای نماد و تمثیل بیش‌تر خودنمایی می‌کند.

تمثیلات حقوق بشر<sup>۱</sup> یکی از مفاهیم مرکزی دنیای مدرن است؛ دنیایی که در آن، انسان بر صدر نشسته و قدر و منزلت دیده و برخلاف دنیای پیشامدرن، انسانی است دارای حقوق اساسی و سلب‌ناشدنی. که تمثیل بر این دارد که انسان در دنیای سنت انسان مکلف بود، اما در دنیای جدید انسان محق است. مفهوم مدرن تمثیل حقوق بشر از نوع حقوق اخلاقی و طبیعی به شمار می‌آید. مطابق آن، این اعتقاد وجود دارد که آدمیان دارای حس و نگاه اخلاقی مشترک در خصوص احترام به زندگی انسانی، مدارای فرهنگی، تنوع دینی، برابری جنسی و نژادی، شأن و منزلت کارگر، آزادی سیاسی و دموکراسی می‌باشند.

با توجه به اهمیت این بحث و انعکاس آن در ادبیات داستانی مدرن ایران، این جستار بر آن است که به بررسی تمثیلات حقوق بشر در آثار داستانی شهریار مندی پور و کازئو ایشی گورو بپردازد. در آثار این دو نویسنده تمثیل‌های حقوق انسانی و بشری به خصوص حقوق شخصی، حقوق خانواده، حتی حقوق اجتماعی در لوای تمثیل از جایگاه والایی برخوردار است.

ایشی گورو و مندی پور با آفرینش داستان‌های تعلیمی و تمثیلی کوشیده‌اند حاصل تجربیات خود را در خلال حکایاتی به دیگران عرضه کند تا از این طریق میل به زندگی و شوق به آینده را در دل مردم زنده نگه دارد. آن‌ها در آثارشان مدینه فاضله‌ای ترسیم می‌کنند که همه از فرجام حکایت‌ها خرسند و راضی هستند و گویی هر چیز به قاعده و سر جای خود قرار گرفته است. قرابت‌های ایدئولوژیکی و جهان‌بینی آن‌ها در آثارشان با دیدی تمثیلی-حقوقی و با استفاده از آرایه تمثیل ما را بر آن داشت تا داستان‌های این دو نویسنده را بررسی کنیم؛ لذا در پژوهش حاضر به بررسی تمثیلی حقوق بشر در آثار کازئو ایشی گورو و شهریار مندی پور پرداخته می‌شود.

اهمیت این موضوع از آن است که یکی از عوامل پرجاذبه که نقش بسیار مهمی در انتقال مفاهیم زندگی خوب دارد، تمثیل است که در هر کشوری بخشی از فرهنگ و ادبیات آن را تشکیل می‌دهد.

---

<sup>۱</sup> Human rights

این پژوهش با هدف بررسی تمثیلات حقوق بشر در آثار ایشی گورو و مندنی پور براساس اعلامیه حقوق بشر و آرایه تمثیل انجام شده است و نگارندگان برآنند تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:

- جلوه‌های تمثیلی حقوق بشر چگونه در آثار ایشی گورو و مندنی پور نمود پیدا کرده است؟

- بن‌مایه‌های تمثیلی حقوق بشری با توصیف تمثیل به کار رفته در آثار ایشی گورو و مندنی پور کدامند؟

- تمثیلات به کار رفته در آثار داستانی کدام یک از نویسندگان بسامد بیش‌تری دارد؟

### هدف تحقیق

در این جستار با توجه به اهمیت تمثیل مباحث حقوقی در شکل‌گیری داستان‌های ادبی و همچنین نقش ادبیات در شناساندن آن‌ها، به بررسی تمثیلات حقوق بشر در آثار داستانی، شهریار مندنی پور و کازنو ایشی گورو، پرداخته می‌شود.

### ضرورت تحقیق

با توجه به این‌که تمثیل یکی از مهم‌ترین ارکان در شناسایی و بررسی داستان‌ها به شمار می‌رود، در این پژوهش نیز تمثیلات حقوق بشر در آثار دو نویسنده مورد بررسی قرار گرفت و باعث موشکافی داستان‌ها از منظر تمثیل با توجه به حقوق بشر می‌باشد. این نوع نگرش‌ها می‌تواند وسعت دید خوانندگان و علاقه‌مندان به این حوزه را گسترده کند و پژوهش‌های زیادی از منظر نوشته شود.

### پیشینه پژوهش

مقاله‌هایی که در مورد تمثیل در آثار داستانی نوشته شده‌اند، به چند نمونه اشاره می‌شود.

۱- محمدی، علی‌رضا، (۱۳۹۵)، داستان تمثیلی، ساختار، تفسیر و چند معنایی، نشریه زبان و ادب فارسی دانشگاه خوارزمی، هدف مقاله حاضر بررسی نقش ویژگی‌های ساختاری و روایی داستان تمثیلی در ایجاد تفاسیر متعدد از این متون است.

۲- عباس‌علی، وفایی، (۱۳۹۲)، بررسی کارکرد تمثیل در آثار ادبی تعلیمی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. کاربرد فراوان تمثیل در آثار ادبی تعلیمی، حاکی از ارتباطی دوسویه میان تعلیم و تمثیل است به گونه‌ای که گوینده با تمثیل، بر مفاهیم اخلاقی که غالباً مطلبی معقول و غیر حسی‌اند تأکید کرده، با تصریح آن، مخاطبان خود را که غالباً از مردمان عامی‌اند، متوجه آن می‌کند.

۳- گلوی، لیلا، (۱۳۹۸)، حکایات تمثیلی در اشعار اخوان ثالث مبتنی بر نظریات تحلیل گفتمان، پژوهش‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی.

یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال، مؤثرترین ابزارهای ادبی، بیان مطلب در قالب یک حکایت تمثیلی است. اخوان که محتوای بسیاری از اشعار او را مسائل اجتماعی روزگار خویش تشکیل می‌دهد، به دلایل مختلف، از جمله: افزونی تأثیرگذاری بر مخاطب و نیز رعایت احتیاط سیاسی-اجتماعی از حکایت تمثیلی استفاده کرده است.

۴- معصومه، حسینی، (۱۳۹۷)، کاربرد داستان تمثیلی در تعلیم آموزه‌های سیاسی با تأکید بر متون کهن ادبی، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی.

داستان تمثیلی ابزاری در جهت ارتقای دانش سیاسی دولتمردان در اعصار کهن بوده است. مروری بر تاریخچه استفاده از تمثیل در آموزش سیاسی، تعلیم سیاسی رایج در داستان‌های تمثیلی کهن و دلایل استفاده از تمثیل برای آموزش مضامین سیاسی از جمله موضوعات مورد بررسی در این مقاله است. چنانچه مشاهده می‌کنیم هیچ تحقیقی در رابطه با موضوع پژوهش تاکنون انجام نگرفته است، لذا موضوعی بکر می‌باشد.

### روش تحقیق

روش مطالعه در این رساله، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد. سپس مبانی نظری و مواد اصلی توصیف تمثیلی از حقوق بشر در تحلیل آثار شهریار مندنی پور و ایشی گورو به کار گرفته شده است. بدین منظور برخی آثار داستانی این نویسندگان مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

### چارچوب نظری تحقیق

#### معانی لغوی تمثیل

در مورد معنی تمثیل به چند نمونه اشاره می‌شود:

«علی اکبر دهخدا در لغت‌نامه ارزشمند خود برای «تمثیل» این معانی را آورده است: «مثل آوردن، تشبیه کردن چیزی به چیزی و مثل الشی بالشی تمثیلاً و تمثالاً.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۹۷۰)

معین نیز ذیل کلمه «تمثیل» چنین آورده است: «۱- مثال آوردن ۲- تشبیه کردن، مانند کردن ۳- صورت چیزی را مصور کردن ۴- داستان یا حدیثی به عنوان مثال بیان کردن، داستان آوردن.» (معین، ۱۳۶۴: ۱۱۳۹)

### معنای اصطلاحی تمثیل

محمود فتوحی در مقاله‌ای با عنوان «تمثیل، ماهیت، اقسام، کارکرد» تمثیل و اقسام آن را به خوبی شرح داده است. وی در ابتدای این مقاله می‌نویسد: «در مباحث ادب فارسی و عربی، اصطلاح تمثیل، حوزه معنایی گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که از تشبیه مرکب، استعاره مرکب، استدلال، ضرب‌المثل و اسلوب معادله گرفته تا حکایت اخلاقی، قصه‌های حیوانات، قصه‌های رمزی و نیز معادل روایت داستانی (الیگوری) در ادبیات فرنگی را شامل می‌شود.» (فتوحی، ۱۳۸۳: ۱۴۲)

نویسنده در ادامه، دیدگاه‌های دانشمندان علوم بلاغی را که از گذشته تا امروز درباره تمثیل سخن گفته‌اند منحصر بر چهار دیدگاه می‌داند:

«دیدگاه نخست: تمثیل را مترادف و هم معنی با تشبیه می‌دانند.

دیدگاه دوم: تمثیل، نوعی تشبیه است که وجه شبه مرکب از امور متعدد باشد.

دیدگاه سوم: تمثیل را از زمره استعاره و مجاز می‌شمارند و آن را از تشبیه جدا می‌کنند.

دیدگاه چهارم: تمثیل، داستانی است که پیامی در خود نهفته دارد و معادل الیگوری در بلاغت فرنگی است.» (همان: ۱۵۰)

شمیسا در کتاب بیان خود تمثیل را این گونه تعریف کرده است: «تمثیل (ALlegory) هم حاصل یک ارتباط دو گانه بین مشبه و مشبه‌به (ممثل) است. در تمثیل هم اصل بر این است که فقط مشبه‌به ذکر شود و از آن متوجه مشبه شویم؛ اما گاهی ممکن است مشبه هم ذکر شود. (مثل تشبیه تمثیل) مثل کسانی که به دنیا چسبیده‌اند، مثل کسانی است که در رهگذر سیل خانه ساخته‌اند. در این صورت هم از مشبه و هم از مشبه‌به، امر کلی‌تر را استنباط می‌کنیم؛ کسانی که به امور حقیر و ناپایدار مشغولند و عاقبت را نمی‌بینند؛ از کار خود بی‌بهره هستند.» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۲۰۵)

تمثیل: مثل آوردن، تشبیه کردن چیزی را به چیزی {دیگر} مثال آوردن، داستانی یا حدیثی را به عنوان مثال بیان کردن (حسینی کازرونی، ۱۳۹۴: ۱۴) در تعریفی دیگر آمده است: روایتی است به شعر یا نثر که مفهوم واقعی آن از طریق برگرداندن اشخاص و حوادث به صورتهایی غیر از آنچه در ظاهر دارند به دست آید. شفیعی کدکنی در کتاب «صور خیال در شعر فارسی» درباره‌ی تمثیل گفته است: «تمثیل

شاخه‌های از تشبیه است و از همین رهگذر است که عنوان تشبیه تمثیلی هم در کتابهای بلاغت فراوان دیده می‌شود.» (همان: ۱۶)

### معرفی نویسندگان

#### آشنایی با زندگی و آثار شهریار مندنی پور

شهریار مندنی‌پور در سال ۱۳۳۵ در شیراز به دنیا آمد. او در دهه چهارم عمر خویش به نوشتن داستان روی آورد. او درباره اتفاقات زندگی خویش چنین می‌نویسد: اولین تاریخ برمی‌گردد به روزی که مجبور شدم انشایم را خودم بنویسم. زمانی که کلاس چهارم دبستان بودم. همیشه انشاهایم را مادرم می‌نوشت و خانه نبود. موضوع انشا توصیف فصل پاییز بود. دیدم می‌توانم بنویسم و کلماتی را پشت سر هم ردیف می‌کنم که هیچ وقت نمی‌دانستم توی حافظه‌ام هستند. کلماتی از مجلات کودکان و کتاب‌هایی که خوانده بودم. لذت داشت این کشف. مطمئن بودم نمره آ می‌گیرم. داوطلب خواندن شدم. معلم با تشریح به من نمره سی داد. چون گندمزاری طلایی، آماده درو را توصیف کرده بودم و در ایران گندمزارها در پاییز آماده درو نیستند. ولی من گندمزار خودم را نوشته بودم و همین برایم قشنگ بود. بی‌خیال نمره.

مندنی‌پور به زبان تنها به عنوان ابزاری برای انتقال اطلاعات نگاه نمی‌کند، بلکه به گفته خودش زبان را گوهر داستان می‌داند. او کوچک‌ترین سطح زبانی را در داستان که معمولاً کلمه است به حروف می‌رساند. او سعی می‌کند با ترکیب استعاره‌های پیچیده، مجازهای متفاوت و استفاده از آهنگ کلمات فراتر از ساختن یک لحن ساده در داستان، به جایگاهی بالاتر از اشاره مستقیم به مدلول برسد و ما را نه تنها به صورت عقلی بلکه به صورتی حسی - شهودی با داستان آشنا کند. مندنی‌پور را با دیدگاه دیگری نیز می‌توان خواند دیدگاه کشف تمثیل‌ها و نمادهای تمثیلی در داستان‌های او؛ این تمثیل‌های نمادین روشی برای بیان امور انتزاعی و ذهنی برای آشنایی آفرینی و ملموس کردن تصورات نویسنده برای مخاطب است که شاید کمتر دیده شده است و کمتر به آن پرداخته شده است. این توانایی در تصویر پردازی تمثیلی و نمادین برای مندنی‌پور نکته‌ای نوین در این مقاله است و وجه تمایز دیدگاه نویسنده‌ی مقاله به شمار می‌رود.

#### آشنایی با زندگی و آثار کازئو ایشی گورو

ایشی‌گورو در سال ۱۹۵۴ در ناکازاکی ژاپن به دنیا آمده است. خانواده او در سن پنج سالگی او به

انگلیس مهاجرت کرده‌اند. ایشی‌گورو تحصیلات خود را در انگلستان ادامه داد و در سال ۱۹۸۰ مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه «انگلی‌ای شرقی» در رشته نویسندگی خلاقانه دریافت کرد. نخستین داستان ایشی‌گورو «منظر پریده‌رنگ تپه‌ها» در حقیقت پایان‌نامه او بود که بعداً در سال ۱۹۸۲ به صورت یک داستان مستقل منتشر شد. ایشی‌گورو در همین سال به طور رسمی شهروند انگلیس شد. ایشی‌گورو یک بار در سال ۱۹۸۹ به کشور مادری‌اش ژاپن سفر کرد، اما ژاپنی که او در ذهنش ساخته بود با آنچه در واقعیت وجود داشت کاملاً متفاوت بود. در نتیجه دیگر به ژاپن برنگشت.

اگرچه ایشی‌گورو ژاپنی است و داستان‌های دو رمان اولش در ژاپن اتفاق می‌افتند، اما او همیشه در مصاحبه‌هایش گفته که خودش را یک نویسنده ژاپنی حقیقی نمی‌داند و شناخت چندانی هم از ادبیات ژاپن ندارد. او یک بار گفته: اگر نام مستعاری برای خودم انتخاب می‌کردم و تصویر شخص دیگری را هم به جای عکس خودم استفاده می‌کردم، مطمئناً هیچ‌کس با خواندن آثار من، این نکته به ذهنش نمی‌رسید که آثار این شخص مرا یاد فلان نویسنده ژاپنی می‌اندازد. و در ادامه گفته: البته کاملاً انگلیسی نیز نیستم؛ چون پدر و مادری ژاپنی دارم و در کودکی در خانه با من به ژاپنی صحبت می‌شد و مرا کاملاً با فرهنگ ژاپنی آشنا ساخته‌اند. پیشینه متمایز دارم و دیدگاه‌هایم اندکی با بقیه فرق دارد. ایشی‌گورو یکی از شناخته‌شده‌ترین نویسندگان معاصر انگلستان است که جوایز بی‌شماری را دریافت کرده است. او در سال ۱۹۸۶ برای کتاب «هنرمندی از جهان شناور» برنده جایزه «وایت برد» و در سال ۱۹۸۹ برای کتاب «بازمانده روز» برنده جایزه «بوکر» شد. ایشی‌گورو هم‌اکنون جزو ۵۰ نویسنده برتر معاصر انگلستان است. از این‌رو تعجبی نداشت که او برنده جایزه نوبل ادبیات شود. آکادمی نوبل ایشی‌گورو را به‌خاطر نگارش رمان «بازمانده روز» سزوار دریافت جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۱۷ دانست.

### بررسی و تحلیل مضامین تمثیلی زندگی خوب در آثار شهریار مندنی‌پور

در داستان شرق بنفشه ذبیح جوانی از طبقه فقیر جامعه است و ارغوان از طبقه ثروتمند جامعه و نامزدی پولدار دارد. اتفاق بی‌پنجره تمثیلی نمادین از فقر و کوچه و پنجره که دارای روشنایی و نور است تمثیلی نمادین از ثروت و بی‌نیازی است. ذبیح می‌گوید: «من از ته شهر، از اتاقکی که به کوچه پنجره ندارد می‌آیم. شما توی آن خانه بزرگ قشنگ‌تان اصلاً نمی‌فهمید یعنی چه.» (شرق بنفشه،

(۱۲: ۱۳۷۷)



در داستان‌های مندنی پور می‌توان این چنین تفکرات و مکالماتی را یافت که با استفاده از تمثیل و نماد به تابلو سازی و تصویر آفرینی دست می‌زند گویا نویسنده می‌خواهد با استفاده از تمثیل به تشریح صحنه‌های نا آشنا و ملموس کردن آن دست یابد پس نویسنده با تمثیل امور انتزاعی و ذهنی به امور حسی و شناخته شده به شکلی در مقام توضیح برمی‌آید و بدین وسیله آن را برای مخاطب آشنا می‌کند. گسترش شکاف و نابرابری اجتماعی در یک جامعه تأثیرات نامطلوبی بر ارتباطات افراد آن جامعه و سرمایه‌های اجتماعی بر جای می‌گذارد و همین پیامد است که موجب دغدغه فکری و نگرانی ذهنی نویسندگانی مانند مندنی پور می‌باشد. او با بیان داستان به تبیین و انتقاد از نابرابری‌های جامعه خویش پرداخته است.

در بخش دیگری از همین داستان به تمثیلی پوشیده دست می‌زند:

«سلام. ببخش. لابد برای گرفتن رباعیات آمده‌ای و نبوده. ببخش. پهلوی خودم بود، چون این نامه ناتمام مانده بود. چون بی‌بی عطری مرد. رطوبت این خانه کشتش. آن قدر نحیف شده بود که از تنش یک کوزه هم در نمی‌آید... بی‌بی عطری می‌گفت بگو اگر کسی به دلت هست، بگو کجاست بروم خواستگاری. می‌گفتم تو با این پاهای علیت کجا می‌خواهی بروی. دنیا خیلی دور است از خانه ما.» (همان: ۱۳)

بی بی عطری، تمثیلی نمادین از امید در خانه‌ای نمودار است که در اثر رطوبت از بین رفته است گویا امید از آن زمان از بین رفته است. عدالت واژه مقدسی است که تمام جوامع، فرهنگ‌ها و مکاتب بشری برای آن ارزش قائل هستند.

واژه عدل به معنای تقسیم به طور مساوی و قرار دادن هر چیز در جای خود است، عدالت‌خواهی از بارزترین مشخصه اخلاق اجتماعی مندنی پور است. همه انسان‌ها بایستی حق و حقوق مساوی داشته باشند.

در داستان‌های عاشقانه شهریار مندنی پور هم می‌توان حقوق بشر و برابری افراد را مشاهده کرد، به طور مثال اختلاف طبقاتی که بین ذبیح و ارغوان وجود دارد، وقتی مادر ذبیح از دنیا می‌رود و ذبیح از رطوبت‌خانه‌شان که مادرش را بیمار کرده حرف می‌زند، یا هنگامی که ارغوان بر سر قبر مادر ذبیح می‌آید، هم‌چنین لحن هر کدام از شخصیت‌های داستان‌های او تا حدودی گویای جایگاه و طبقه اجتماعی و عدم برابری آن‌هاست.

دیر شدن - خاک ریختن روی چشم‌های پیرزن - تمثیلی نمادین از ناامیدی است. «ممنون که آمدی، خاک قبرستان کجا و کفش‌های شما کجا. هر چه خاک اوست عمر شما باشد. لابد حساب کرده‌ای اول

صبح توی قبرستان بالای قبر تازه فقیر خودش است. ولی دیر شده. خیلی خاک ریخته‌ایم روی چشم‌های پیرزن. چطور ببیندت؟» (همان: ۱۵)

توصیف تمثیلی فریاد زدن برای اعلامیه، روزنامه، طرفداران حزب‌ها، در مقابل صدای ویولون که با وجود داشتن صدای بلند شنیده نمی‌شود تمثیلی از جامعه‌ای سر در گم است که مشغول روزمرگی‌های خودشان هستند و از دیدن لذت‌های ظریف و زیبایی‌های زندگی در میان هیاهوی شهر و شهر زدگی غافلند. رهگذرانی که می‌بینند اما نمی‌بینند و می‌شنوند اما نمی‌شنوند، در میان هیاهوی سیاست و اقتصاد غرق شده‌اند و زنی قرمزپوش را که یک سال است گوشه میدان فردوسی، ساعت پنج عصر منتظر محبوبی می‌ایستد، را نمی‌بینند.

داستان «آیلار» را که پیشکش به سیمین دانشور است، می‌توان از بهترین داستان‌های کتاب شرق بنفشه تلقی کرد. حکایت عشقی خالص اما تلخ و بی‌حاصل. با هر بار صدا زدن آیلار، ترس و اضطراب در وجود مخاطب نقش می‌بندد، گویی نویسنده قصد دارد به مخاطب بفهماند که فرجام شومی در انتظار عاشق و معشوق است. در داستان‌های او حمایت از محرومان و ابراز همدلی و همدردی با اقشار ضعیف جامعه باعث شده است تا از او به عنوان نویسنده‌ای انسان‌دوست یاد شود. «سرد است آیلار و من می‌ترسم از نوای ویولون مرد دائم‌الخمر «مسکو» بی که روبه‌روی سفارت شوروی، چهارشنبه‌ها می‌نوازد و چشم‌های گریخته‌اش پُر از اشک می‌شوند، و من می‌ترسم که نکند هدایت راست گفته باشد عشق آدم‌ها را، اما اعلامیه‌ها فریاد می‌زنند و روزنامه‌ها فریاد می‌زنند و طرفدارهای حزب‌ها فریاد می‌زنند و هیچ‌کس گوش نمی‌سپارد که ویولون‌زن عاشق است، و هیچ‌کس نمی‌بیند زن قرمزپوشی را که یک سال است گوشه میدان فردوسی، ساعت پنج عصر می‌ایستد، منتظر محبوبی که از پارسال سرفرار نیامده و می‌ترسم، چون معلوم است که زن می‌خواهد سال‌ها آن‌جا انتظار بکشد تا چیزی گفته باشد قبل از مرگ، اما میدان «حسن‌آباد» رد پای ما بر برف، تا فردا هم نمی‌ماند و سی سال دیگر هیچ اثری نمانده از با هم شادی و رنج بودن ما و نگاه امشب ما به آن شیروانی‌های قشنگ گنبدی... چه دارد می‌شود آیلار؟ کجا می‌رود دنیا و تهران... ترس دارد این‌همه مرده‌باد و زنده‌باد و این‌همه کاغذ با نوشته‌های تاریک روشن که شاید یک روز همه بسوزند و سوخته‌هاشان به آسمان بروند از پشت دیوارهای خانه‌ها. و آن مرد می‌داند آیلار. روی خاکستر و برف ایستاده، می‌گوید زخم بزنند و سر بزنند تا عشق به تو نگاه نکند و زغال کاغذ و خون به آسمان می‌رود. آن وقت ما کجا پناه می‌بریم آیلار، وقتی که بر برف خیابان، روبه‌روی کاخ «مرمر» قطره‌های خون ریخته. سردم است و برف گوشت تازه را می‌سوزاند.» (همان: ۹۶)

نویسنده با این توصیف، تمثیلی از انسان‌هایی که در میان آهن و دود شهر محصور و مسحورند را به تصویر می‌کشد.

یک گفتگو در ابتدای داستان هزار و یک شب وجود دارد و جمله «جنازه‌ها را می‌برند می‌اندازند توی دریاچه نمک...» (مندنی پور، ۱۳۹۶: ۲۱۳)، عده‌ای به صورت غیرقانونی و ناشناس کشته شده‌اند و سرانجام جنازه‌هایشان دریاچه نمک است. تمثیل به اعتراضات عامه مردم در بستر انقلاب ۵۷ است که به نوعی اوضاع آشفته و نابسامانی و سرگردانی احوال مردم زمانه را هم مشخص می‌کند. تمثیل به اعتراض انقلاب ۵۷ «دیگر جلوی پسر خُلم را نمی‌گیرم. شاید بالاخره این آدم‌های توی خیابان برنده شدند.» (همان: ۲۱۶).

در بخشی از داستان آمده است: «سیاهی دود لاستیک سوخته در سفیدی گاز اشک‌آور... دهان‌ها و مشت‌ها. سربازها ماسک ضد گاز که می‌زنند، می‌شوند شکل مورچه‌خوار... امروز وسط تظاهرات گیر کردم» (همان) که همین تظاهرات تمثیل از نارضایتی مردم در زمان پهلوی دوم بوده است. همچنین در این داستان تمثیل از احوال زمانه اعتراضات سیاسی تا قبل از انقلاب ۵۷ ایران آشکار می‌شود، نویسنده تمثیل به توصیف شکنجه‌ها در زندانها می‌کند: «طنین صدای شکستن استخوان فک، دیدن خاکستر سیگار توی زردابه تاول یا کشف انگشتهایی که ناخن ندارند به اندازه ناباوری بازجوها اسیر را شکنجه نمی‌دهند» (همان)

مندنی پور در «رمان دل دلدادگی» با تمثیل به توصیف صحنه‌های دلخراش زلزله رودبار و منجیل؛ از عدم امنیت بعد از حادثه سخن می‌گوید، از ترس و اضطراب پس از زلزله و از بارقه امید که پس از فاجعه، از دولت و مردم، در انسان‌های مصیبت دیده به وجود می‌آید. تمثیل: «ظلمات بود و ضجه زمین و زوزه فوران غبار از درزهای زمین. «داوود» میان جرزه‌های از کمر شکسته، زار نعره می‌زد: - ها، های پیداش کردم، زنده... جا مانده بودی گل نارم... ببخش بابا.» (مندنی پور، ۱۳۹۹: ۱۵)

از دست دادن فرزند در جریان زلزله داغ بزرگی است که حیات را از دست رفتگان و امنیت روانی را از بازماندگان می‌گیرد و مندنی پور این موضوع را با کلماتی به وسعت حزن و اندوه بازماندگان به تصویر کشیده است. تمثیل به زلزله رودبار: «داد زد: چرا نمی‌آیی؟ اگر نپرسیده بود، نمی‌شنید که: تمام کرد. روجا مویید: ببریمش دکتر. ترسیده. - تمام کرده. مرده. روجا، زیتون را زمین انداخت و جست طرف داوود. گوشه دامن گلنار به چنگش آمد. کشید دامن دخترک را. داوود، سفت او را بغل کرده بود. داد زد: اذیتش نکن، تو بغلمه، بگذار باشه. بز، بز تو چشم‌هام.» (همان: ۲۲)

### بررسی و تحلیل مضامین تمثیلی زندگی خوب در آثار کازئو ایشی گورو:

آزادی پدیده‌ای عقلی و انتزاعی است که به تمثیل از آزادی ایشی گورو، از واژه حریم‌شکنی غیرعقلانی استفاده می‌کند. و لجام گسیختگی فرد را آفت رشد و تعالی مطلوب شخصیت فردی و اجتماعی می‌داند. از نظر او شایسته و بایسته است که انسان در قلمرو زندگی اجتماعی، فلسفه هدفمند و پرمعنای خلقت و ضرورت رشد و تعالی شخصیت انسان در مراحل مختلف حیات فردی و اجتماعی را درک نماید. لازم است که تجربه عدالت اجتماعی و زندگی خردمندانه و عاقلانه و هدفمند را با درک مفهوم واقعی آزادی داشته باشد.

کمبود فرصت برای انجام کارهای شخصی از قبیل عزاداری برای پدر از دست رفته به علت توجه و تمرکز بیش از حد به انجام وظیفه، تمثیلی است که در این رمان از زندگی نوکر مآبانه شخصیت داستان به کار رفته است

این رمان توانسته است سیستم طبقاتی انگلیس را با دقتی شگفت‌انگیز به تصویر بکشد! مهم‌ترین جنبه زندگی آقای استیونز<sup>۱</sup>، تشخیص او به عنوان یک سرپیش‌خدمت انگلیسی است! حفاظت از تشخیص، برای او به قیمت فدا کردن احساسات عاشقانه‌ای که سال‌ها در وجود خود پرورانده بود، تمام می‌شود. در واقع، اگر صادقانه به ماجرا بیندیشیم، در خواهیم یافت که موقعیت استیونز به عنوان سرپیش‌خدمت، عملاً امکان داشتن یک زندگی عاطفی راضی‌کننده را از او گرفته است!

حتی زمانی که پدرش می‌میرد نیز، او نگران انجام بی‌عیب و نقص وظایفش است و فرصت چندانی برای عزاداری ندارد! به هر صورت، درست مثل قهرمانان دیگر ایشی گورو، آقای استیونز هم مجبور می‌شود آینده‌ی دردناک خود را بپذیرد! این رمان به بهترین شکل ممکن به شما نشان خواهد داد که هدر دادن یک زندگی چقدر آسان است و فرصت‌های عاشقی چطور همچون شن و ماسه در هوا ناپدید می‌شوند!

شاید این درست به نظر برسد: همه افراد از لحاظ حیثیت و کرامت با هم برابر هستند. مزایده حیثیت، تمثیلی از رقابتی است که در آن رفتار و اعمال اخلاقی یک نفر اندازه گرفته می‌شود و نه اندازه کیف پولش. در این بخش به کار رفته است: در داستان «هنرمندی از جهان شناور»، خانه‌ای قدیمی که صاحب آن سوگیمورا بود و بعد از مرگش بنا به خواست پدر خانه را به کسی خواهند داد که هنرمند و دارای حیثیت و شخصیت باشد، در درجه دوم پول برای‌شان مطرح بود. آن‌ها خانه را به شخصیت اصلی داستان که مردی با همسر و دو دختر داشت، با شرایط متفاوت فروختند.

<sup>1</sup> Stevens

«به علاوه، ایده مزایده حیثیت، آن طور که خواهر بزرگ‌تر می‌گفت، خیلی ستایش‌برانگیز بود. آدم تعجب می‌کند چرا مسائل با این روش‌ها حل و فصل نمی‌شوند، رقابتی که در آن رفتار و اعمال اخلاقی یک نفر شاهد گرفته می‌شود و نه اندازه کیف پولش. هنوز می‌توانم آن حس رضایت عمیق را به یاد بیاورم، زمانی که خانواده سوگیمورا پس از تحقیقات جامع‌شان مرا به عنوان کسی که بیش‌ترین ارزش را برای خانه‌ای که جایزه این رقابت بود، در نظر گرفتند.» (ایشی گورو، ۱۳۹۸: ۱۳)

وقتی یتیم بودیم، در این داستان، با کریستوفر بنکس<sup>۱</sup>، یک کارآگاه مشهور انگلیسی آشنا می‌شویم. مردی که برای حل کردن پیچیده‌ترین معماهای جنایی به شهرت رسیده است، اما نتوانسته پرده از راز زندگی پدر و مادرش بردارد. او در این داستان، حوادث منتهی به ناپدید شدن پدر و مادرش در شانگ‌های را مرور می‌کند. دستیابی به آزادی و رهایی از قیدها و محدودیت‌ها یکی از پرشورترین آرمان‌های بشر به شمار می‌آید. البته منظور آزادی به معنای حقیقی آن است که می‌تواند قوام‌بخش و رشددهنده جامعه ایده‌آل و مطلوب شده و هم‌چنین مانع استخفاف شهروندان و موجب هدایت آن‌ها شود. موضوع صلح و آزادی از جمله مفاهیمی است که در داستان از آن بحث شده است.

می‌توان گفت وقتی یتیم بودیم مثل خانه‌ای است که تمام پنجره‌های آن منفجر و مبلمانش منهدم شده است و دیوارهایش فرو ریخته‌اند. هر چند که نه راوی و نه خواننده این واقعیت را بر زبان نخواهند آورد؛ و هم‌چنان اصرار دارند که در یک جهان کامل و منظم در حال حرکت هستند! ایشی گورو تصویری تمثیلی از یتیمی را اینگونه روایت می‌کند: «وقتی یتیم بودیم مثل خانه‌ای است که تمام پنجره‌های آن منفجر و مبلمانش منهدم شده است و دیوارهایش فرو ریخته‌اند.» (ایشی گورو، ۱۴۰۲: ۱۰)

کل داستان شام خانوادگی در حال صحنه پردازی و تمثیل به جنگ جهانی دوم و بمباران ناکازاکی ژاپن است. آسیب‌های وارد شده از جنگ بسیار زیاد است. قسمتی از خانه اوجی خراب شده و او با کمترین امکانات (نداشتن چوب، میخ و غیره) هر روز به بازسازی خانه می‌پردازد. «اولش فکر می‌کردم که خسارت وارد آمده به خانه به خاطر طوفان بوده است، اما بعد فهمیدم بیش‌تر این صدمات را جنگ به آن‌جا تحمیل کرده است. پدر بزرگم در حال بازسازی آن قسمت از خانه بوده است که طوفان چوب‌بست‌ها را خراب می‌کند و بیش‌تر کارهایی که او در طی چند سال گذشته انجام داده را از بین می‌برد. او به خاطر اتفاقی که افتاده بود ذره‌ای هم ناامیدی به دلش راه نداده بود و در

<sup>1</sup> C. Banks

طول چند هفته بعد از رسیدن من هم‌چنان با سرعتی یکنواخت شاید دو یا سه ساعت در روز بر روی خانه کار می‌کرد.» (ایشی گورو، ۱۴۰۱: ۲۰۰)

### نتیجه‌گیری

در این مقاله که بررسی تمثیلات جلوه‌های حقوق بشر در آثار ایشی گورو و مندنی پور براساس اعلامیه حقوق بشر بود به این نتیجه می‌رسیم:

در بین نویسندگان معاصر خارجی و داخلی، ایشی گورو و مندنی پور، به عنوان نویسندگان مشهور به دلیل پرداختن به مفاهیم و اصول تمثیلات حقوق انسانی و بشری به خصوص حقوق شخصی، حقوق خانواده، حتی حقوق اجتماعی از جایگاه والایی برخوردار است.

ایشی گورو و مندنی پور با طرح تمثیل‌های حقوق بشر، آزادی و عدالت اجتماعی در آثارشان خدمات ارزنده‌ای به جامعه ادبی و علمی عرضه کرده‌اند. با بررسی شاخصه‌های تمثیلی حقوق بشر و شهروندی در آثار مندنی پور و ایشی گورو مشخص گردید که آن‌ها در مورد مقوله‌های آزادی، بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی، فقر و محرومیت، به طور مستقیم بیان داشته‌اند و به تمثیل دست زده‌اند.

بر اساس خوانش حقوق بشری از محتوا و مضامین اصلی طرح شده در کتاب شرق بنفشه از شهریار مندنی پور می‌توان گفت محتوای این کتاب به طور کلی تمثیلی از جامعه و تجارب زیسته نویسنده بوده و مسائل، موضوعات و مضامینی که در آن طرح شده است، اغلب «انسان محور» و بر پایه دقت در رفتارهای جامعه نسبت به هر فرد به عنوان یک انسان دارای هویت شهروندی بوده است. برداشت‌هایی تمثیلی که مرتبط با حقوق بشر بود به وفور دیده شد.

چنانکه در کتاب شرق بنفشه، به دلیل اینکه شامل نه داستان کوتاه با موضوعات متنوع بود، اصولی که مورد توجه قرار گرفته بود از نظر کمیت بیشتر بود. وی به مضامین آزادی و امنیت، توجه بیشتری نشان داده بود. ایشی گورو نیز در داستان‌های بازمانده روز، هنرمندی از جهان شناور و وقتی یتیم بودیم، به بیان مفاهیم تمثیلی درباره آزادی، برابری و عدالت و صلح پرداخته است.

### فهرست منابع و مآخذ

- ۱- حسینی کازرونی، سید احمد. (۱۳۹۴). تمثیل و ادبیات تمثیلی، فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر، شماره پیاپی: بیست و سوم، صفحه ۱۳ تا ۲۴.

۲- زرقانی، مهدی، (۱۳۸۳)، چشم‌انداز شعر معاصر ایران، تهران، نشر ثالث، با همکاری انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.

۳- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، با چراغ و آینه در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران، تهران، سخن

۴- قزوینچاهی، عباس، (۱۳۷۶)، ری را، کاری از فرهنگ‌خانه مازندران، تهران، انتشارات معین

۵- کازئو، ایشی گورو، (۱۳۸۳)، شام خانوادگی، مترجم اسد اله حقانی، تهران: انتشارات آرادمان

۶ ——— (۱۳۸۵)، بازمانده روز، مترجم دریابندری، نجف، تهران، نشر کارنامه

۷ ——— (۱۳۹۸)، هنرمندی از جهان شناور، مترجم محمدی، یاسین، تهران، انتشارات فراز

۸ ——— (۱۴۰۲)، وقتی یتیم بودیم، مترجم مژده دقیقی، تهران: انتشارات هرمس

۹- مندنی پور، شهریار (۱۳۹۶)، شرق بنفشه، تهران، نشر مرکز

۱۰ ——— (۱۳۹۹)، دلدلگی، تهران: زریاب

۱۱- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۷۷)، چون سبوی تشنه، چ پنجم، تهران، انتشارات جامی

12-Noori H, Mosayebnya S. Citizenship education human rights and social responsibility in the education system. Tehran: parse publication; 2017.p.13.

#### References:

- Hosseini, Kazroni Seyyed Ahmad. (2014). Allegory and Allegorical Literature, Quarterly Journal of Educational and Lyrical Research of Persian Language and Literature of Islamic Azad University - Bushehr Branch, serial number: 23, pages 13 to 24.
- Zarqani, Mehdi, (2013), Iran's Contemporary Poetry Perspective, Tehran, third edition, in collaboration with the Secretariat of the Council for the Development of Persian Language and Literature.
- Shafi'i Kodkani, Mohammad Reza, (2010), searching for the roots of the evolution of contemporary Iranian poetry with a lamp and a mirror, Tehran. speech
- Ghazvanchahi, Abbas, (1376), Ray, a work from Mazandaran Library, Tehran, Moin Publishing House
- Ghazvanchahi, Abbas, (1376), Ray, a work from Mazandaran Library, Tehran, Moin Publishing House
- Kazeo, Ishiguro, (1383), Family Dinner, translated by Asad Elah Haqqani, Tehran: Aradman Publications
- , (2006), Surviving the Day, Daryabandari translator, Najaf, Tehran, publishing house
- (1398), an artist from the floating world, translated by Mohammadi, Yasin, Tehran, Faraz Publishing House
- , (1402), when we were orphans, translated by Mojdeh Zahihi, Tehran: Hermes Publications
- Mandanipour, Shahryar (2016), Sharq Banafsheh, Tehran, Center Publishing
- (2019), Deldelgi, Tehran: Zaryab
- Yahaghi, Mohammad Jaafar, (1377), when Sabo is thirsty, 5th edition, Tehran, Jami Publicatio